



تاملی بر چرایی و چگونگی حادثه نارداران در جمهوری آذربایجان - یادداشت

چهار سال پیش در تاریخ 26 نوامبر سال 2015 (پنجشنبه پنجم آذرماه 1394) و در آستانه اربعین حضرت امام حسین (ع) پلیس باکو با وارد نمودن اتهامات واهی عزاداران حسینی را در منطقه نارداران مورد ضرب و شتم و اقدامات خشونت آمیز قرار داد که باعث شهادت و زخمی شدن عزاداران و مومنان ناردارانی شد.

به گزارش آران نیوز؛ چهار سال پیش در تاریخ 26 نوامبر سال 2015 (پنجشنبه پنجم آذرماه 1394) و در آستانه اربعین حضرت امام حسین (ع) خبری ناگوار تیترو روزنامه ها و رسانه های منطقه قفقاز شد! خبر این بود " پلیس باکو با خودروی حمل زباله به مسجد شیعیان شهرک #39;نارداران#39; در نزدیکی حرم #39;بی بی رحیمه(س) حمله و باعث شهادت و زخمی شدن عزاداران اربعین حسینی شد!!!" خبر تلخ ، گزنده و تامل برانگیز بود ، گویا زمان به عقب برگشته بود ، به قبل از سال 1991 ، به دوران سلطه کمونیسم ، به روزهایی که هیچ دینداری حق اجرای مراسم و مناسک مذهبی حتی در چهاردیواری خود را نداشت. روزهایی که شیعیان جهت عزاداری برای امام حسین (ع) صبر می کردند تا یکی از بستگانشان از دنیا برود و آنها بتوانند در ظاهر برای متوفی و در باطن برای زنده نگه داشتن یاد و نام و رسالت کشتی نجات بشر ، حضرت امام حسین(ع) سوگواری کنند! خبر واقعیت داشت ، در کشوری مسلمان با اکثریت شیعه ، نیروهای سیاسی و نظامی باکو بدون توجه به عقاید و واقعیت های جامعه آذربایجان ، به اقدامی ناجوانمردانه دست زده بودند و تاکنون نیز نتوانسته اند توجیه و منطق درستی برای آن سر هم کنند.

حادثه نارداران در ایام پیاده روی اربعین اتفاق افتاد در روزهایی که فشار ها و اقدامات و فضای مسموم و ضد دینی جمهوری آذربایجان باعث شده بود حاج طالع به نارداران پناه ببرد و در چنین شرایطی که او اصلا راضی به ایجاد آشوب نبود ، او را متهم به آشوب کرده و ناعادلانه گرفتار زندانش کردند .

نارداران یگانه منطقه ای در آذربایجان بوده و هست که کوچه های آن به نام 14 معصوم نام گذاری شده اند و نارداران جایی است که وقتی که صدام ملعون خاک ایران را بمباران می کرد، مردم نجیب و دوست داشتنی اش با عمق جان احساس ناراحتی کرده و برای مسلمانان و شیعیان ایران دعا می کردند.

نقطه ی آغاز ماجرای ضرب و شتم دینداران در جمهوری آذربایجان در واقع از سال 1997 شروع شد که بیعت حکومت آذربایجان با اسرائیل علنی شد و مردم مسلمان نیز این موضوع را برنتابتند و در واقع صهیونیست ها سالها قبل از حوادث سوریه و عراق متوجه شیعیان و مسلمانان جمهوری آذربایجان شده و با طراحی های زیرکانه نهایت فشار خود را متوجه نقطه تمرکز و نماد شیعیان جمهوری آذربایجان ، یعنی نارداران کرده و در واقع تضعیف نارداران را تضعیف تشیع در جمهوری آذربایجان می دانستند و تا توانستند برای ایجاد تفرقه و دشمنی بین برادران شمال و جنوب ارس نقشه ها ریختند و توطئه ها کردند.

صهیونیسم دشمن مسلمانان و اشغالگر قدس شریف است و تمام مناسبات و نشست و برخاست هایش را در هر گوشه از جهان چنان تنظیم می کند که در هر مشارکت و معامله و مشاوره ای دندان طمع خود بر خاک اسلام و مال و جان و ناموس مسلمانان را نمایان کند .

رژیم جعلی و منحوس اسرائیل یکروز آمریکا را می دوشد و روزی دیگر شیوخ و سران عقب مانده عرب را و روزی دیگر سوار بر پشت افراتیون سلفی و وهابی و قوم گرایان و نژاد پرستان جاهل، فتنه بر می انگیزد و روزی دیگر در قالب دوست نمایان شده و در حالی که زمین و زمان بر کودک کشی و رذالت و اشغالگری اش اذعان دارند دم از آزادی قره باغ می زند و و در سوگ وقایع خوجالی اشک تمساح می ریزد .

سالهاست که صهیونیسم متحد و حامی افراط گرایانی چون وهابیون و سلفی ها ، قوم گرایان و نژادپرستان شده است و دلیل این اتحاد، منافع مشترک آنها در ضدیت و دشمنی با شیعیان و پیروان ائمه اطهار (علیهم السلام) است و بس.

سیاست موازنه دولت جمهوری آذربایجان اگر خیری برای این کشور داشت که ندارد، در موضوع نزدیکی به رژیم صهیونیستی و حضور و نفوذ این اختاپوس نحس در اقتصاد و سیاست و مسائل نظامی جمهوری آذربایجان بی شک موجب ضرر و خسران محض مردم شریف این کشور خواهد بود .حضور و نفوذی که منجر به وقایع و حوادثی مانند حادثه سال 2015 نارداران و حوادث بسیار دیگری شد که حتی گاه ممکن است فرصت و مجالی برای جبران خسارات مادی و معنوی بشمار آن وجود نداشته باشد.

در حوادث نارداران چهار تن از برادران شیعه آذری به نام اکبر بابایف، سروان صفر اف، رافائل بنیاد اف و افرهیم بنیاداف به شهادت رسیدند و حتی می توان گفت آن دو پلیس دولتی نیز شهید شدند و شهادتشان مظلومانه تر از شهادت برادران ناردارانی بود چرا که از این دو مامور پلیس که اتفاقا دیندار هم بودند به عنوان طعمه برای سند سازی و اتهام علیه اهالی نارداران استفاده شد و آنها هم شهید فتنه صهیونیست ها شدند.

سوالات بسیاری در حادثه تاسف برانگیز نارداران بی جواب ماند که جوابش را صهیونیست ها و مسببین آن حادثه خوب می دانند چرا که خود طراح آن بودند :

چرا ماموران امنیتی آن روز با ماشین زباله وارد نارداران شده بودند؟!

اگر ماموران امنیتی با دلائل و اسناد کافی به دنبال متهمی در نارداران بودند باید با ماشین های پلیس متهمان را با خود می بردند نه اینکه با ماشین زباله و به صورت پنهانی وارد نارداران شده با خود زنی و کشتن ماموران پلیس و در واقع همکاران خود اقدام به سند سازی و اتهام علیه عزاداران نارداران نموده و بعد از شهید کردن مردم و نمازگزاران ، حاج طالع را دستگیر میکردند.

امام حسین(ع)، عاشورا ، اربعین و انتظار مهدی موعود را نمی توان از هیچ شیعه ای در اقصی نقاط جهان جدا کرد و هر قدر که به مردم نارداران فشار وارد کنند، این سختی ها قابل قیاس با مصایب امام حسین(ع) نبوده و آنها از مرام و مسلک خود دست برنخواهند داشت . شیعه در هر حال خود را در محضر امام زمانش می داند، یا آزاد و در حال یاری مظلومان است و یا در حال مبارزه برای آزادی و اعتقادات خود در زندان و زیر شکنجه به سر می برد و مردم نارداران با این دو تفکر عجین بوده و ممکن نیست اسلام را رها کنند.

نارداران با جمعیتی در حدود 9000 نفر منطقه ای نام آشنا در کل قفقاز است و دلیل آن این است که مردان و زنان غیور و متدین این دیار چه در روزگار تزار روس و چه در دوران حاکمیت هفتادساله کمونیسم که دین ستیزی را شعار اصلی خود قرار داده بود ، مقید به اجرای احکام الهی ، زنده نگه داشتن آداب و رسوم شرعی و رعایت حلال و حرام بوده اند و در این راه انواع شکنجه ها و فشارها را بر جان خریده اند لیکن از آرمان ها و اعتقادات مذهبی خود دست بر نداشته اند و براین اساس همواره مورد بی لطفی حکومت ها قرار گرفته و از کمترین امکانات زندگی نیز محروم شده اند.

مردم این منطقه بارها دستگیر و به بهانه های واهی مورد آزار و اذیت قرار گرفتند ، جوانان این منطقه از استخدام در ادارات و نهادهای دولتی محروم شدند و مکررا" از امکانات عمومی مانند برق ، گاز، تلفن و... محروم مانده اند.

از دولت جمهوری آذربایجان توقع داریم به جای رویارویی با مردم مسلمان و شریف این کشور و همدستی و همنشینی با صهیونیست ها و وابسته نمودن کشور در ابعاد مختلف به

این رژیم، تلاش نماید تا در اتحاد با خیرخواهان و متحدان منطقه ای و همسایگان خود به حل مناقشه قره باغ کوهستانی و بازگرداندن بیش از یک میلیون آواره آذری به موطن اصلی خویش نائل آید. آزادی قره باغ راهی جز اعتماد به مردم و جوانان مومن و غیور جمهوری آذربایجان نداشته و تنها با اتحاد و همدلی و بهره گرفتن از ظرفیتهای بالقوه و بالفعل جهان اسلام میسر می باشد. با شکنجه اسلامگرایان در زندانها و به کارگیری شناورهای اسرائیلی در شرق جمهوری آذربایجان (دریای خزر)، قره باغ در غرب این کشور آزاد نخواهد شد.

گفتنی است حاکمیت جمهوری آذربایجان سالهاست به دنبال تقویت هر چه بیشتر روابط با آمریکا و اسرائیل و وابستگی به صهیونیسم جهانی بوده و در این مدت برخلاف جهت و جریان توده های مردم این کشور شنا کرده است و به تبع آن شیعیان مظلوم این دیار با اقدامات متعدد ضددینی مواجه شده اند به طوری که نزدیک به شصت تن از چهره های برجسته فرهنگی، مذهبی و سیاسی این کشور به زندان های طویل المدت که عمدتاً همراه با انواع شکنجه های جسمی و روحی بوده است، محکوم گردیده اند.

برخی از رسانه ها و سایت های خبری جمهوری آذربایجان بدون ارائه کوچکترین شاهد و سندی، از دخالت جمهوری اسلامی ایران در حوادث نارداران صحبت کرده و عوامل وهابیت نیز با سوء استفاده از حوادث نارداران، با تبلیغات خود، تشیع را به تکفیر و افراط گرایی متهم کردند و سعی نمودند تشیع را افراط گرا معرفی کنند و این در حالی است که شیعیان در طول تاریخ مظهر صلح دوستی و عدالت خواهی بوده و نه تنها منشا نا امنی در هیچ جای جهان نبوده اند بلکه اتفاقاً از پایه های اصلی مبارزه با تروریسم و افراطی گری بوده و این را در عمل در صحنه های مبارزه با داعش در عراق و سوریه به اثبات رسانده اند.

در پایان یاد آور می شویم که الله شکور پاشازاده شیخ و رئیس اداره مسلمانان قفقاز در همایش به اصطلاح "نشست رهبران دینی دنیا در باکو" که هم زمان با روز میلاد پیامبر اعظم (ص) برگزار شد، اصلاً یادی از رسول اکرم (ص) ننمود و تا توانست از حاکمیت باکو و "مرکز گفتگوی تمدنهای ملک عبدالله" تملق و چاپلوسی کرد، در ایام حادثه نارداران، ارمنستان را مقصر و مسئول معرفی کرده و بجای ایستادن در کنار دینداران و عاشقان اهل بیت (علیهم السلام)، در صف غاصبان حقوق حقه مردم قرار گرفت، گویی که این شخص مسئولیت و وظیفه ای در دفاع از اسلام و اسلامگرایان نداشته و مشخص نیست که آیا از همان ابتدا نام این اداره به اشتباه اداره مسلمانان قفقاز نامگذاری شده و یا اینکه الله شکور به اشتباه در این مسند نشسته است!

شیخ، رئیس اداره ای است که وارث و باقی مانده شرایط مشخص قبل و بعد از فروپاشی شوروی سابق بوده و تاکنون بازنگری جدی در خصوص فلسفه وجودی و رسالت این مجموعه انجام نگرفته است و الله شکور پاشازاده گویا در میان اوراق تاریخ و دوران کمونیسم گرفتار آمده و جرات و شاید حتی اراده ای برای دفاع از حقوق اسلام گرایان این کشور ندارد و شاید در فرصتی دیگر بتوانیم به معرفی این اداره و رویکرد های منفعلانه آن بپردازیم.

در سه سال گذشته سیاسیون باکو نهایت تلاش خود را برای ممانعت از برپایی مراسم جهت یادآوری و بزرگداشت شهدای حادثه ی نارداران به کار بسته اند و شنیده ها حاکی از آن است که امسال نیز در آستانه ی چهارمین سالگرد این حادثه تلخ و فراموش نشدنی، وزارت کشور جمهوری آذربایجان تهدید کرده است که نیروی پلیس ویژه این وزارتخانه در صورت برگزاری مراسم احسان برای یادبود شهدای 26 نوامبر نارداران، با شدت عمل برخورد خواهد کرد، هر چند به شکل مدنی و مطابق با قوانین اجرا شوند.

انتهای پیام/...ا